



تعریف مزاج‌ها در طب قدیم ایران

مزاجت تر و خشك و گرم است و سرد
مركب از این چار طبیعت مرد
«بوستان سعدی»

میدانیم که کلیه اعمال حیاتی و هرگونه تغییرات و تحولاتی که از زمان پیدایش جنین تا بدنیآ آمدن نوزاد و سپس در سن‌های کودکی و بلوغ و جوانی و کهنلت و پیری و مرگ در انسان پیدا میشود و نیز هر اختلالی که در دوران حیات در کار اعضاء و اجزاء مختلف بدن بروز میکند همه و همه تحت سیطره و زیر تأثیر مستقیم سلسله اعصاب از یکطرف و غدد مترشح داخلی (۱) از طرف دیگر است، با توجه باینکه این دودستگاه از لحاظ فیزیولوژیکی بایکدیگر ارتباط صمیم دارد و مشترکاً اعمال حیاتی را انجام میدهد. عمل غدد مترشح داخلی بوسیله «هرمونها» (۲) که محصول فعالیت ترشحی آنهاست صورت میگیرد و تأثیر هورمونها را در بدن میتوان چنین خلاصه کرد:

- ۱ - در نمو بدن دخالت دارد و شکل داخلی و خارجی اعضاء بدن تاحدی زیاد توسط آنها صورت میگیرد.
- ۲ - عمل کلیه اعضاء و دستگاههای نباتی (۳) که غیر ارادی و خودکار است تحت تأثیر هورمونها انجام میگیرد و باینطریق هورمونها در متابولیسم عمومی بدن (یعنی متابولیسم بازال^۴) و در متابولیسم خاص موادی که بدن از آنها تشکیل یافته است (آب، املاح، گلوئیدها، لیپیدها، پروتیدها و غیره) دخالت میکند و میدانیم که این متابولیسم برای ادامه زندگی بافت‌ها و ایجاد تعادل در اعمال اعضاء بدن لازم است.

* آقای دکتر جلال مصطفوی از پزشکان دانشمند معاصر

1- Endocrines

2- Hormones

3- Organo - végétatif

4- Métabolism Basale

۳- زندگی دستگاه حیوانی حیات ارتباطی (۱) تحت تأثیر هورمون‌ها صورت میگیرد و بدین طریق در تشکیل یافتن استخوانهای بدن (بوسیله تیروکسین، پاراتیرین و هورمونهای تناسلی) و در تغذیه بافت‌های عضلانی (تیروکسین، کورتین، تستوسترون) و در تغذیه ماده عصبی دخالت مستقیم دارد. چنانکه هیچ بافتی (پوست، گوشت، استخوان، خون، عصب و...) و هیچ عضوی (قلب و عروق، جهاز هاضمه و غیره) نیست که از تأثیر عمل هورمون‌ها خارج باشد.

۴- بالاخره تأثیر هورمون‌ها در نفسانیات (۲) و روانشناسی کاملاً محسوس و مشخص است، بطوریکه قسمت اعظم غرایز (۳) و هیجانات (۴) و صفات اخلاقی (۵) بواسطه تأثیر و دخالت هورمون‌ها تظاهر میکند. خلاصه اینکه در دوران حیات و در هر سنی، غدد مترشح داخلی، بوسیله هورمون‌های خود، تنظیم کننده اعمال سه دستگاه بزرگ بدن (دستگاه نباتی و دستگاه حیوانی و دستگاه نفسانی) است.

اکنون که اهمیت غدد مترشح داخلی، در کلیه اعمال حیاتی و حسن جریان کار اعضاء بدن انسان، معلوم شد گوئیم تمام افراد بشر از حیث وضعیت غدد مترشح داخلی و فعالیت فیزیولوژیکی آنها یکسان نیستند و از این لحاظ هر شخص با شخص دیگر اختلاف دارد. اگر صحتن را که از حیث سن و جنس و سایر عوامل، در شرایط واحدی بوده و نیز در امتحانات بالینی سالم تشخیص داده شده‌اند و هیچگونه اختلالی در کار اعضاء بدنشان مشاهده نشود، از نظر کار یکی از غدد مترشح داخلی، مثلاً غده تیروئید، مورد بررسی قرار دهیم و برای انجام این امر متابولیسم بازالشان را اندازه بگیریم خواهیم دید که کلیه آنها دارای متابولیسم بازال یکسان نیستند، بلکه عده‌ای از آنها متابولیسم بازالشان در حد متوسط و تعدادی بالاتر و عده‌ای نیز پائین‌تر از حد وسط است. کسانی که متابولیسم بازالشان بیش از مقدار متوسط است، شدت و سرعت سوخت و ساز بدنشان بیش از کسانی است که متابولیسم بازالشان پائین‌تر است. پرواضح است که واکنش بدن این افراد، نسبت به عوامل خارجی، اعم از مواد غذایی یا عوامل جوی، یکسان نیست و این موضوع درازمنه قدیم اساس و مبنای قسمتی اعظم از علم طب را تشکیل میداده است. توضیح آنکه افرادی را که دارای متابولیسم بازال بالاتر از حد متوسط بوده‌اند گرم مزاج و آنهایی که متابولیسم بازالشان پائین‌تر از این حد بوده است سرد مزاج مینامیند و تأثیر غذاها و داروها را در بدن بر حسب اینکه متابولیسم بازال را بالا و یا پائین ببرد بعنوان گرم و سرد اصطلاح میکرده‌اند در حقیقت هر ماده‌ای که

از خارج وارد بدن انسان و حیوان شود، بدون کوچکترین شك، دردستگاه عصبی غددی (نوروگلاندولر) تأثیر کرده و یکی از سلسله غدد بالا برنده یا پائین برنده متابولیسم بازال را تحریک میکند و بالنتیجه باعث افزایش یا کاهش سرعت سوخت و ساز بدن میگردد.

از تحقیقاتی که دانشمندان بعمل آورده اند معلوم شده است که نه تنها فعالیت غده تیروئید بلکه غده هیپوفیز و غدد فوق کلیوی نیز باعث شدت و سرعت «اکسیداسیونها سلولی» و بالنتیجه افزایش درجه حرارت کلی بدن شده و بطوء عمل آنها بالعکس باعث کندی احتراقات و نقصان تولید حرارت کلی و کاهش درجه حرارت میگردد. ولی غده تیروئید در رأس غدد دیگر از لحاظ بالارفتن متابولیسم بازال قرار گرفته است.

برای اثبات این مطلب که منظور قدما از گرمی مزاج آنچیز است که امروزه با زیادی ترشح تیروئیدی تطبیق میکند و مقصودشان از سردی مزاج همانست که در طب امروز بنام کمی ترشح تیروئید یا نارسائی آن نامیده میشود به کتاب عالمانه (غدد مترشح داخلی و بیماریهای آن) تألیف دکتر نصرت الله کاسمی استاد دانشمند دانشگاه تهران مراجعه کرده و مطالب مندرج در آنرا با مطالب نظیر آن که در کتب پزشکی قدیم ایران مندرج است تطبیق میدهیم.

۱- در کتاب غدد مترشح دکتر کاسمی که بسال ۱۳۳۵ تألیف شده است) در جلد ۳ صفحه ۲۵۶ چنین میخوانیم: «هوش تندوتیز و دقیق مربوط بشدت عمل یا حسن عمل تیروئید است، بهمین سبب تیروئید را غده هوش (۲) لقب داده اند، در برابر کندی و رخوت روحی و جسمی را که ممکن است تا بلاهت و حلق پیش رود از آثار ضعف عمل تیروئید میدانند.»

در کتاب (کامل الصناعه) تألیف علی بن عباس مجوسی اهوازی که در ۱۱۰۰ سال پیش تألیف شده است) صفحه ۳۳ از جلد اول (چاپ مصر) ضمن شرح علائم مزاجهای گرم و سرد چنین میخوانیم:

«فمن علامات البدن الحار ان يكون صاحبه ذكياً فطناً ومتى كان البدن بارداً فان صاحبه يكون بليداً قليل الفهم» در این عبارت چنانکه می بینیم بوضوح مینویسد کسی که مزاجش گرم است ذکی (باذکاوت) و فطن (دارای هوش تند و تیز) میباشد و کسی که مزاجش سرد است بلید (کندذهن) و قليل الفهم (که همان رخوت روحی و بلاهت است) میباشد.

۲- در کتاب (علم الغدد) دکتر کاسمی صفحه ۱۵۲ جلد ۱ مینویسد:

یکی از علائم بی کفایتی تیروئید انحطاط و تنزل در اعمال عضوی (ارگانیک) بدن است و رو بهم رفته در تمام اعمال حیات بطوء و کندی راه یافته است.

در کامل الصناعة صفحه ۳۳ یکی از علائم سردی مزاج را چنین مینویسد: «وتكون الافعال النفسانية والحيوانية و الطبيعية فيه ناقصة ضعيفة» یعنی کسانی که مزاجشان سرد است کلیه افعال نفسانی و حیوانی و طبیعی در آنها ضعیف و ناقص میباشد.

بطوریکه قبلاً ذکر شد، غدد مترشح داخلی، توسط هرمونهای خود، در تمام دوران حیات، برای تنظیم اعمال سه دستگاه بزرگ بدن، یعنی فکری (۱) و حیوانی (۲) و عضوی (۳) بکار میرود و چنانکه می بینیم نام این سه دستگاه و اعمال آن در کامل الصناعة بنام نفسانی و حیوانی و طبیعی ذکر شده است. اگر بخواهیم حق مطلب را ادا کنیم باید بگوئیم که رده بندی امروز از کتب قدما نقل و اقتباس گردیده و این سه اصطلاح علمی متعلق به پزشکان قدیم است.

۳- یکی از مهمترین علائم مزاج سرد که با کمی کار تیروئید تطبیق میکند، کمتر بودن درجه حرارت بدن و عبارت دیگر سردی بدن نسبت به افراد عادی است.

در علم الغدد دکتر کاسمی صفحه ۱۵۳ در این باره مینویسد: «حرارت بدن پائین است و بین ۳۶ و ۳۷ درجه نوسان دارد» و در کتاب (بیماریهای غدد مترشح داخلی) تألیف سزاری (۴) نوشته است: «این بیماران کمی حرارت دارند و درجه حرارت بدنشان گاهی تا ۳۵ درجه تنزل مینماید» در کامل الصناعة مینویسد: «واذا لمس وجد باردا» یعنی «اگر بدن را لمس کنیم آنرا سرد می یابیم»

۵- در علم الغدد دکتر کاسمی صفحه ۱۵۲ مینویسد: «بیمار بکندی راه میرود و باشک و تردد قدم از قدم بر میدارد».

در کامل الصناعة مینویسد: «بطئی المشی متوقفاً فی الامور» یعنی «بکندی راه میرود و در امور توقف میکند».

۶- در علم الغدد دکتر کاسمی صفحه ۱۵۳ مینویسد: «بیمار بغذا اشتها ندارد و غذائی که میخورد بسختی و کندی هضم میشود».

در کامل الصناعة می نویسد «ناقص الشهوة بطئی الهضم» یعنی شهوت طعام ضعیف است و هضم بکندی صورت میگیرد.

۷- در کتاب (علم الغدد) دکتر کاسمی جلد ۱ صفحه ۱۵۳ «قلب آرام و نبض آهسته میزند».

در کتاب کامل الصناعة: «ونبضه بطیئا».

۸- یکی از بزرگترین علائم کمی ترشح تیروئید یا سردی مزاج چنانکه در صفحه ۱۵۳ کتاب علم الغدد دکتر کاسمی نوشته شده این است: «بدن بکمترین سرمائی حساس است» (۵) و در پرکاری تیروئید که مطابق با گرمی مزاج

است بالعکس بیمار نسبت به گرمای محیط حساسیت پیدا میکند چنانکه در صفحه ۱۹۰ جلد ۱ کتاب علم الغدد در این باره چنین مینویسد: «افزایش متابولیسم با افزایش تولید حرارت همراه است و از آنرو میتوان فهمید که چرا خوف الحرارة (۱) دارند. جامه کلفت و ستر نمی پوشند، روانداز خود را بیکسو می افکنند و از گرما بهراس اندرند و بحران های عرق خیز (۲) دارند»

اگر مزاج سرد، با کمی ترشح تیروئید و مزاج گرم، با زیادی ترشح تیروئید تطبیق کند لازم می آید که در کتب پزشکی قدیم نیز حساسیت افراد سرد مزاج، نسبت به سرمای محیط و حساسیت افراد گرم مزاج، نسبت به گرمای محیط قید شده باشد و ما با مطالعه کتب قدیمه درمی یابیم که این مسأله دقیقاً ذکر شده است چنانکه **ابن سینا در کتاب قانون** ضمن بیان علائم گرمی و سردی مزاج چنین مینویسد: «و اما السادس فهو جنس الدلائل المأخوذة من سرعة انفعال الاعضاء فانه كان العضو يسخن سريعاً فهو حار المزاج وان كان يبرد سريعاً فالامر بالضد» یعنی «ششمین دلیل برای شناختن مزاجها «سرعت واکنش اعضاء بدن» است. اگر در برابر گرما زود متأثر شود علامت سردی مزاج است»

نکته جالب و بسیار مهم اینجاست که نه تنها سرما و گرمای محیط در افرادی که کمی یا زیادی ترشح تیروئید دارند و بعبارت دیگر مزاجشان سرد و گرم است مؤثر واقع میشود، بلکه کلیه موادی که از خارج وارد بدن میشود، اعم از مواد غذایی و دارویی نیز، در افرادی که باین دو عارضه دوچارند مؤثر واقع میشود و برای آنان سازگار یا ناسازگار میباشد. برای توضیح مطلب گوئیم **سزازی** در کتاب (بیماریهای غدد مترشح داخلی) صفحه ۱۶ مینویسد: «غدد مترشح داخلی دارای تشکیلات پیچیده و بفرنجی بوده و اعمال مختلفه آنها تحت تأثیر عوامل گوناگون ممکن است تحریک شده یا متوقف گردد» پر واضح است اگر غده تیروئید تحت تأثیر عواملی تحریک شود، بر سرعت و شدت سوخت و ساز بدن افزوده شده و درجه حرارت بدن بالا میرود و اگر بالعکس اعمال مزبور متوقف یا بطئی شود، از شدت سوخت و ساز و ایجاد حرارت در بدن کاسته خواهد شد. پس اگر ماده غذایی از خارج وارد بدن شود و غده تیروئید را تحریک کند، درجه حرارت بدن را بالا برده و سلسله علائمی را بظهور خواهد رساند. **اساس گرمی و سردی که قداماً به مواد غذایی و دارویی نسبت میدادند** بر این مبنا قرار گرفته بوده است مثلاً کسانی که مزاجشان گرم است و بعبارت دیگر کمی ترشح تیروئید دارند اگر شیرینی بخورند مزاج آنها نمیسازد و عوارضی در آنها ایجاد نمیشود. این مطلب در طب امروز هم بقوت

خود باقی است زیرا بطوریکه در کتاب (علم الغدد) دکتر کاسمی جلد ۱ صفحه ۱۸۹ نوشته است: «در هیپرتیروئیدی بطور کلی از قوت تحمل بیماران بقبول هیدرات دو کربن کاسته شده و در نتیجه عیار قند خون پس از غذا بالا می‌رود. این امر را شاهد عمل تیروئید دانسته‌اند. نیز اغلب اوقات قند بمقدار کم و بطور دائم یا پس از غذا در پیشاب موجود است».

بدیهی است کسی که زیادی ترشح تیروئید دارد و مزاجش گرم است اگر عسل بخورد، قند خون بالا می‌رود و مقداری از آن از پیشاب خارج می‌شود و اگر در خوردن عسل افراط کند مسلماً بطور دائم قند خون بیمار بالا است و در پیشابش قند وجود دارد و این امر برای او زیان‌آور خواهد بود و احیاناً ممکن است بمرض قند یا دیاب (دیابت) مبتلا شود.

پارسا توسرکانی *



یاد او

شکوفه دیدم و یاد جمال او کردم
 بیار باده که حالی مجال او کردم
 هوا خوش است و چمن دلکش است و یاربکام
 چو من حدیث رخ و زلف و خال او کردم
 به لاله و گل و سنبل نهرنگ مانند و نه‌بوی
 سخن چو از قد با اعتدال او کردم
 ز شوق، قامت سرو چمن به رقص آمد
 بدل چو یاد ز صبح وصال او کردم
 فضای تیره طبعم چو روز روشن شد
 چو نیک در نگری، وصف حال او کردم
 هر آن لطیفه که گفتم ز لطف و نزهت گل
 شگفت خاطر من تا خیال او کردم

* آقای عبدالرحمن پارسا توسرکانی از شاعران و نویسندگان نامدار معاصر